حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#معافیت-پزشکی
شیرزادیان از قم:
به خاطر سوختگی، معافیت پزشکی گرفتم، ولی هیچ سازمانی به بنده کار نمی‌دهد و بیکار هستم. چرا افرادی که معافیت پزشکی دارند به چشم دیگر دیده می‌شوند؟ این افراد در جامعه با مشکلات زیادی دست وپنجه نرم می‌کنند.

#مجری-مهاجرت
احمدی از تهران:
مهاجرت مجریان درجه یك تلویزیون به شبکه‌های بیگانه اصلا خوشایند و برازنده صداوسیما نیست و امیدوارم صداوسیما در حفظ این مجریان تلاش بیشتری کند.

#محرم-محیط‌زیست
قرایی از تهران:
متاسفانه بعضی از شهروندان ظروف غذاهای نذری ماه محرم را بدون هیچ‌گونه احساس مسؤولیت نسبت به شهر خود، در خیابان رها کرده و چهره شهر را مخدوش می‌کنند.

#پادگان-بوستان
فتوحی از تهران:
با توجه به تغییر کاربری برخی پادگان‌های نیروهای مسلح به بوستان، امیدوارم مسؤولان محترم نگاه ویژه‌ای به مناطق ۱۴ و ۱۵ تهران که تعداد پادگان‌های بی‌شماری دارد داشته باشند.

#هراز-بهسازی
علیزاده از آمل:
چه زمانی جاده هراز دوبانده می‌شود؟ سال‌هاست مسؤولان وزارت راه قول اتمام پروژه را دادند، ولی پیشرفت فیزیکی کمی دیده می‌شود و با توجه به تردد زیاد خودروها در این جاده، ترافیك دائمی در آخر هفته‌ها و تعطیلات، مهمان همیشگی این جاده است.

#مسکن-گران
سلیمی از تهران:
ادعای کاهش قیمت و اجاره مسکن از سوی بعضی از مسؤولان و صنف املاك کذب محض است و نه‌تنها کاهشی دیده نمی‌شود، بلکه در بعضی از نقاط شهر تهران افزایش قیمت ادامه دارد.

#فرهنگی-حق‌الزحمه
یك فرهنگی از مسجدسلیمان:
چه زمانی وزارت آموزش وپرورش حق‌الزحمه امتحانات خرداد، شهریور و دی سال‌های ۹۱ و ۹۲ و همچنین اضافه‌کار آن سال‌ها را پرداخت می‌کند؟

عکس: جام جم

پای صحبت‌های مردی که از کودکی در مجلس امام حسین(ع) بوده است و تاحالا حدود ۳۰ هیات راه انداخته است

روضه تازه اول ماجراست

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

این‌که از بچگی در مجلس امام حسین(ع) باشی، خیلی موضوع عجیبی نیست؛ این را تقریبا همه ما همراه پدر و مادرمان تجربه کرده‌ایم. اما موضوع مهم این است که در همه سال‌های بعد از آن هم این شوق حضور در دلت روز به روز بیشتر شده باشد. حاج عبدالزینب بیات از همان روزهای کودکی و حالا در روزهای ۵۰ سالگی در مجلس امام حسین(ع) بوده است. او بعد از ۳۰ سال فعالیت جدی برای ترویج فرهنگ عزاداری، پیرغلامی در این راه محسوب می‌شود؛ عنوانی که البته خودش آن را خیلی قبول ندارد و تعریف متفاوت‌تری از پیر غلام دستگاه امام حسین(ع) دارد. شیخ عبدالزینب بیات، امروز چیزی حدود ۵۰ هیات راه انداخته است؛ یعنی حرف راه‌اندازی را زده، اهلش را شناخته، زمینه‌سازی کرده و باقی مسائل را به خود امام حسین سپرده است. در نهایت هم خودش با خیال راحت، به اولین هیاتش و هیات روزهای ۲۰ سالگی‌اش برگشته است. با او درباره تجربه همه این ۳۰ سال گذشته حرف زدیم.

پیرغلام بودن، پیر و جوان ندارد

شما پیرغلام محسوب می‌شوید؟ این اولین سوالی بود که از او پرسیدیم. شاید چون دلمان می‌خواست بدانیم اصلا به چه کسانی پیرغلام می‌گویند؛ «خب واقعیت این است که پیر غلام امام حسین(ع) بودن دو جنبه دارد. اگر صرفا معنای ظاهری‌اش را در نظر بگیریم، کسی که سال‌ها در دستگاه امام حسین(ع) بوده و قدمی برداشته و به‌اصطلاح نوکری کرده، پیر غلام حسین(ع) است و چه افتخاری بالاتر از این برای یك آدم؟ مثلا من که ۵۰ سال دارم و از ده دوازده سالگی در این فضا بوده‌ام، شاید پیرغلام ظاهری باشم، اما معنای باطنی پیرغلام بودن، پیر و جوان نمی‌شناسد و البته من فکر می‌کنم اصل پیرغلام بودن، همین جنبه باطنی‌اش است. در واقع تو می‌توانی جوان و پیر غلام امام حسین(ع) باشی؛ مثل شهید حججی که با سن کم، راه امام حسین را در پیش گرفت و تا انتهای راه رفت. خب چه کسی بهتر از او برای پیر غلام بودن اباعبدا...؟»

پرچم‌دار کوچك‌خانه

در خاطر او، هرچه هست صدای روضه و نوحه و ذکر حسین(ع) است: «مادر خدابیامرزم معلم قرآن بود. یادم هست همیشه چادر او را می‌گرفتم و به کلاس‌هایش می‌رفتم. بودن در آن فضا برایم یادآور روزهای خوشی است. او عاشق اهل بیت بود و همین هم باعث شده بود خانه‌مان رنگ و بوی حسینی داشته باشد. تفریحاتمان در خانه و با خواهر و برادرهایم هیاتی بود؛ یکی قابلمه را سنج می‌کرد و یکی با شال زنجیر می‌زد. من هم پارچه را سر چوبی می‌بستم و همان پرچم هیات‌مان می‌شد. چای خوش‌عطر مادرم هم همیشه در ایوان خانه‌مان به راه بود و این شاید اولین هیاتی بود که من در آن شرکت کردم، اما نقطه اوج این حال و هوا، روزهای جبهه و جنگ بود.»

روزهای عجیب جنگ

حاج‌آقا بیات از روزهای جبهه و جنگ برایمان گفت؛ روزهایی که شاید اگر تجربه‌شان نمی‌کرد امروز همه او را به شیخ عبدالزینب، پیرغلام امام حسین نمی‌شناختند. الان که به عقب برمی‌گردم، فکر می‌کنم تا قبل از جبهه و جنگ، ما چیزی از گریه و روضه و امام حسین(ع) نمی‌دانستیم. این جلسات متاثرکننده بچه‌های جنگ بود که من تازه فهمیدم چه اتفاقی افتاده است؛ در کربلا چه شده، گریه یعنی چه، غم حسین چه است. تا قبل از این جلسات در دم و دستگاه امام حسین(ع) بودم، اما احتمالا خیلی درك درستی از موضوع نداشتم؛ البته شاید حالا هم نداشته باشیم، اما به هر حال از آن روزها و از نفس بچه‌های جنگ و کسانی که بعدها شهید شدند، ما آرام آرام فهمیدیم چه خبر است و اصل دنیا چه است؛ آنقدر که خادمی در هیات کمی برایم پر معناتر شد و پرچم‌زدن‌ها و پرچم جمع کردن‌هایم در هیات متفاوت‌تر از همیشه شد.

آدابی برای حضور مادرمان، فاطمه

کسی که سال‌ها بانی هیات‌های مختلف بوده است، حتما آداب خاصی را برای عزاداری و برپایی چنین محفل‌هایی می‌شناسد. حاج‌آقا بیات جوابمان را با روایت معتبری از روضه‌های امام رضا(ع) داد: «امام رضا(ع) هر وقت دلشان می‌گرفت، خیلی دوست داشتند که روضه بگیرند. ایشان در این مواقع از ذاکر خوبشان خواهش می‌کردند برایشان روضه‌ای بخواند و اشکی بریزند تا دلشان آرام شود. ذاکر تعریف می‌کند از حضرت پرسیدم خانم‌ها هم در آنطرف پرده حضور دارند؟ که امام رضا(ع) فرمودند نه؛ فقط من هستم و تو. ذاکر می‌گوید من شروع به خواندن قصیده‌ای پرمعنا کردم که در همان حین صدای ناله زنی را شنیدم. مکثی کردم و دوباره به خواندن ادامه دادم که دوباره آن صدا را شنیدم و برای بار سوم که این اتفاق افتاد، نتوانستم صبر کنم و از امام رضا(ع) پرسیدم شما که فرمودید خواهران نیستند. پس این صدای ناله زنانه از کجاست؟ که حضرت رضا(ع) فرمودند عجب! پس تو هم صدای مادر ما فاطمه را شنیدی. به خدا قسم مجلسی برای ما برپا نمی‌شود مگر اولین کسی که وارد آن می‌شود، مادر ما فاطمه است و آخرین کسی که از آنجا خارج می‌شود هم مادر ما فاطمه است. برای همین است مجلسی که حضرت زهرا(س) در آن حضور دارند، آداب و ادب خاصی دارد که باید آن را رعایت کنیم. این دستگاه از ب بسم‌ا... تا صدق‌ا...اش حساب و کتاب دارد و کسی که زیر این پرچم فعالیت می‌کند، نباید کوچك‌ترین انحرافی داشته باشد. که اگر این اتفاق بیفتد و درست و خالصانه باشد، آن‌وقت هم دنیا را دارد و هم آخرت را.»

اصل قضیه را بچسب

شیخ عبدالزینب بیات از محتواهایی که در همه این سال‌های خادمی‌اش در هیات‌ها دیده و شنیده و پیاده کرده است برایمان گفت: «این موضوع مغز قضیه است. گاهی سه چهار ساعت سینه می‌زنیم اما برداشت عقلی از خطبه‌ها نمی‌کنیم. به نظر من یکی از اشتباهاتی که گاه در بعضی از هیات‌های ما رخ می‌دهد این است که بیشتر از هرچیز به مقدمه می‌پردازند تا اصل؛ مقدمه همان برانگیختن عواطف است که با روضه خواندن میسر می‌شود. بله؛ روضه خوب است. روضه می‌تواند انقلابی در دل‌ها ایجاد کند، می‌تواند باعث طهارت باطنی آدم‌ها شود اما این تازه اول ماجرا است. حالا این آدم با این حال خوب، برای اخذ معلومات و کسب فضائل معنوی آماده می‌شود؛ نه این‌که همه آن چیزی که در هیات به‌دست می‌آورد تنها همین حال خوب باشد و بس. یادمان نرود که اصل غذاست و نمك آن را خوش‌طعم می‌کند. اینجا هم اصل معارف اهل بیت(ع) است و روضه با آن سوز و گدازش باعث طهارت و خوش‌طعم شدن اصل ماجرا می‌شود.»

یك رشد دسته‌جمعی

حاجی بیات معروف اهل محل، حالا یك جا بند نمی‌شود و در نقاط مختلف شهر، کسانی هستند که هیاتی را با پیشنهاد و با همت و همراهی او برپا کرده باشند: «حدود ۳۰ سال پیش، با ۴۰ نفر از اهل محل، دوستان و رفقا که قول برادری به هم دادیم، هیاتی راه انداختیم. هیاتی که قرار بود طبق اصول و فرامین اهل بیت(ع) باشد. بچه‌هایی که در کنار هم رشد کردیم و بالا رفتیم؛ اما از یك جایی به بعد دیدیم که هرکدام از این بچه‌ها خودشان می‌توانند علمدار باشند و حیف است همه خوب‌ها یك‌جا جمع باشند. برای همین از آنها خواهش کردم که تقسیم شوند و هرکدام در محله‌ای متفاوت پرچمی برپا کنند؛ آنها هم روی ما را زمین نینداختند و فعالیت‌هایشان را در نقاط مختلف شهر آغاز کردند. آنها یك روز در هفته را انتخاب کردند و مراسم هفتگی به پا کردند و حالا می‌توانیم با افتخار سرمان را بالا بگیریم و بگوییم که از برکت آن یك هیات، ۵۰ هیات رشد کرده است که باعث شده‌اند تا نام امام حسین(ع) در جای جای این شهر طنین‌انداز باشد. درست است که آن اولین هیات ما خلوت شد اما ارزشش را داشت.»

اهل عمل، عالم می‌سازد

هرکسی می‌تواند یك هیات‌دار واقعی و بانی مجلسی به نام اباعبدا...(ع) باشد؟ «در همه این سال‌ها که در جلسات بزرگان اهل معرفت شرکت کردم، فهمیده‌ام که آدم تا نسوخته باشد نمی‌تواند بسوزاند، تا آهنربا نباشد، نمی‌تواند جذب کند و طبیعتا تا خودت به معنای واقعی دنباله‌رو امام حسین(ع) نباشی، نمی‌توانی کسی را امام حسینی کنی. کسی می‌تواند خوب روضه بخواند که واقعا روضه در وجودش اثر کرده باشد. کسی می‌تواند کسی را به انجام کاری ترغیب کند که خودش اهل عمل باشد. کسی باید جلودار باشد که واقعا یك الگوی به تمام معنا نسبت به آداب دستگاه امام حسین(ع) باشد. حالا اگر این‌ها را داشت؛ باید بگردد دنبال یك معقولیت حداکثری در بین مردم و آن‌وقت است که می‌تواند بهتر از همیشه خادم مراسم اباعبدا...باشد.»

بودن را عشق است

و شاید مهم‌ترین موضوع اثر چنین مجالسی روی جوان‌هایمان است؛ جوان‌هایی که این شب‌ها خودشان را به هرکجا که بتوانند می‌رسانند تا سهمی در عزای حسین(ع) داشته باشند. البته که حاج‌آقا بیات، دیده‌ها و شنیده‌های کمی برای تاثیرگذاری حضور در این مجالس بر روی جوان‌ها ندارد. «برای آثار حضور آدم‌ها در چنین مجالسی، کتاب‌ها نوشته شده و خواهد شد. مرحوم نراقی در کتاب معراج‌السعاده می‌گوید که نزدیك‌ترین راه برای جلای باطن و پیمودن راه سیر و سلوك، صرف حضور در مجالس امام حسین(ع) است. کاری که این مجالس با روح و روان آدم‌ها می‌کند، به هیچ طریقی ممکن نیست. قرار هم نیست کسی که به هیات‌ها می‌آید، همه‌چیزدان باشد و تمام فکر و خیال‌هایش جمع باشد. صرف حضور او در چنین فضاهایی می‌تواند او را در راه هدایت بیندازد. طبیعتا وقتی یك جوانی به این مجالس می‌آید، با آدم‌های با ادب، با تقوا، با ایمان و باحیا آشنا می‌شود. مگر نمی‌دانیم که دوست و رفیق حرف اول را در انتخاب راه زندگی و آینده می‌زند؟ همین حضور در انتخاب شغل، در مسیر تحصیلی و در ازدواج فرد تاثیر می‌گذارد و زندگی‌اش از این رو به آن رو می‌شود و در جایگاهی در حد و شان اندازه خودش قرار می‌گیرد.»

عکس: تزئینی است

۵ اصل برای هیات جذاب

هر هیاتی اگر در کنار محتوایی که به مخاطبانش می‌دهد، پنج اصل را که مبتنی بر حواس پنج‌گانه هستند رعایت کند، بدون اغراق هیاتی جذاب برای جوانان می‌شود؛ جایی که کسی حاضر نیست حضور در چنین مجلسی را از دست بدهد. کافی است در مجلس‌تان، حواس پنج‌گانه آدم‌ها را تحریك کنید.

قوه بینایی: می‌گویند که پیامبر(ص) همیشه لباس سفید و روشن می‌پوشیده‌اند. چرا؟ برای این‌که وقتی کسی برای اولین‌بار شما را می‌بیند، قوه بینایی‌اش تحریك شود. پس به زیبایی ظاهر اهمیت بدهید. البته که قرار نیست همه‌چیز را زرق و برق و طلایی کنیم. فقط کافی است به جای ده تا پرچم رنگ و رو رفته و چروك، یك پرچم بزنیم که با چشم آدم‌ها بازی کند و چشم‌نواز باشد. در ضمن سعی کنید همیشه بهترین لباس‌هایتان را در مجالس امام حسین(ع) بپوشید و ظاهری آراسته داشته باشید.

قوه چشایی: برای این کار لازم نیست غذاهای خیلی متفاوت بدهید؛ همین‌که در چای هیات، یك هل و دارچین بیندازید و آن را خوش‌عطر کنید کافی است. باور کنید کم نبوده است دفعاتی که آدم‌ها با شکل و شمایل متفاوت به هیات ما آمده‌اند و هیاتی شده‌اند. وقتی برایم علت حضورشان را تعریف می‌کردند، گفتند که اولین بار به هوای چای خوش‌عطرتان به اینجا آمدیم و بعد از آن ماندگار شدیم.

قوه شنوایی: مداحی خوش‌صدا را به مراسمتان دعوت کنید. پیغمبر(ص) می‌فرمایند که قرآن را با صدای بلند بخوانید اما اگر صدای خوبی ندارید، آرام بخوانید. صدای خوش و متناسب‌خوانی، قوه شنوایی اهل هیات را تحریك می‌کند و باعث حال خوش حاضران در مجلس می‌شود.

قوه لامسه: روایت داریم که می‌گوید وقتی کسی برای اولین‌بار به مسجد می‌آمد، پیامبر او را در آغوش می‌گرفت، محکم به خودش می‌فشرد و دستش را می‌فشرد. این حرکات قوه لامسه آدم‌ها را تحریك می‌کند و هیچ‌وقت این لحظه از یادش نمی‌رود. خادم‌های یك هیات باید مهمانان‌شان را تحویل بگیرند، دستشان را فشار بدهند، روبوسی کنند و همدیگر را در آغوش بگیرند.

قوه بویایی: پیامبر بخش قابل توجهی از مخارج زندگی‌شان را صرف خرید عطر می‌کردند؛ آن‌قدر که حتی گفته شده برای خرید عطر می‌توانید قرض کنید.

بوی خوش از مسائل مهمی است که در اسلام خیلی به آن تاکید شده است. برای همین هم هیات‌های ما باید معطر باشند و بوی خوش بدهند؛ از فرش هیات تا پشتی‌ها. بوی خوش و معطر باید فضای هیات را پر کند تا هرکسی که وارد می‌شود، از این بوی خوش، حالش خوب شود. شك نکنید اگر این قوای پنج‌گانه در مجالس ما مورد توجه قرار بگیرند و در کنار آن حس باطنی و خلوص نیت باشند، غوغا می‌کنند و تاثیر خیلی زیادی روی جوان‌ها دارند و علت حضورشان در چنین مجالسی خواهند بود.